

«تاریخ‌نگاری» فکر نئورومی: نقد کتاب آزادی مقدم بر لیبرالیسم

رضا نجف‌زاده*

چکیده

کوئنتین اسکینر به‌همراه گروهی از نویسندگان و استادان جریان موسوم به مکتب کمبریج در بازکاوی انتقادی تاریخ اندیشه اروپایی و بازنشر انتقادی متون کلاسیک اندیشه سیاسی مدرن نقش قابل توجهی داشت. اسکینر با تلفیق رویکرد زمینه‌گرایانه و قصدگرایانه در پژوهش‌های گسترده خود نشان می‌دهد که ارزش‌های تثبیت‌شده در شیوه زندگی امروز و شیوه‌های تفکر ما درباره آن ارزش‌ها بازتاب مجموعه‌ای از گزینش‌هایی است که در زمان‌های متفاوت و از میان امکان‌های تاریخی متفاوت صورت پذیرفته‌اند. یکی از حوزه‌های اصلی علاقه اسکینر کاوش در ریشه‌های سنت جمهوری خواهی است. بررسی سرنوشت فکر سیاسی رومی و تحلیل ریشه‌های تاریخی نظریه نئورومی بخشی از پروژه بازشناسی سنت جمهوری خواهی انگلیسی است که اسکینر توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته است. کتاب آزادی مقدم بر لیبرالیسم بخشی از سهم اسکینر در مطالعه نظریه نئورومی آزادی مدنی است. این مقاله در چهار قسمت به بازخوانی این کتاب می‌پردازد و سنجش ابعادی از ترجمه فارسی و ابعادی از رویکرد اسکینر را در قرائت فکر سیاسی و مفاهیم سیاسی در بستر تاریخ در بر می‌گیرد. پرسش اصلی این است که کوئنتین اسکینر به‌منزله مشهورترین متفکر جریان نوجمهوری خواهی تا چه اندازه‌ای از قلمرو «تاریخ‌نگاری» مفاهیم فلسفه سیاسی غرب فراتر رفته است؟ آیا او یک «فیلسوف» سیاست است؟

کلیدواژه‌ها: اندیشه سیاسی، کوئنتین اسکینر، جمهوری خواهی، نظریه نئورومی آزادی، سلطنت طلبی، لیبرالیسم.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، Najafzadeh.reza@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸

۱. مقدمه

فلسفه سیاسی امروز دگرذیسی‌ها و تحولات نظری و معرفت‌شناختی متعددی را تجربه می‌کند. یکی از این دگرذیسی‌ها چیزی است که از آن با عنوان «چرخش جمهوری خواهانه / republican turn» یاد کرده‌اند. مورخان برجسته اندیشه سیاسی در روزگار ما، هم‌چون جان پاکاک، کوئنتین اسکینر، و فیلیپ پتی طی دهه‌های اخیر تلاش کرده‌اند هم این سنت را بازشناسی کنند و هم گاهی پتانسیل‌های آن را برای سیاست معاصر آشکار کنند؛ اما در طیف رادیکال چرخش جمهوری خواهانه به معنی بازسازی یا بازیابی متافیزیک و سیاست اسپینوزایی در وضعیت استثنایی جهانی است. اینان در پی تمهید «زبان» جمهوری خواهانه برای فلسفه سیاسی پروژه‌هایی آفریده‌اند که با اتکا به میراث پدران فلورانسی این زبان سیاسی می‌توان از آن با عنوان «resorgimento» یا «رستاخیز» یاد کرد (نجف‌زاده در دست انتشار).^۱

از منظر تاریخ عقاید، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ادوار جمهوری خواهی را به این شرح خلاصه کرد: ۱. جمهوری خواهی رم باستان؛ ۲. جمهوری خواهی رنسانس؛ ۳. جمهوری خواهی مدرنیته رادیکال یا روشن‌گری رادیکال؛ ۴. جمهوری خواهی بورژوا لیبرال انگلیسی - آمریکایی؛ ۵. جمهوری خواهی فرانسوی؛ و ۶. جمهوری خواهی معاصر.

جمهوری خواهان سنتی به اقتضای صورت‌بندی دانایی دوران خود وقتی ظهور آرمان آزادی را به مثابه عدم سلطه طرح می‌کردند، این آرمان را برای گروه برگزیده‌ای شامل افراد ذکور و مالک ترسیم می‌کردند. جمهوری خواهان روزگار ما درصددند تا آرمان آنان را بار دیگر از آن خود کنند و آن را به منزله آرمانی همگانی برای اعضای جامعه معاصر از نو رواج دهند. لیبرال‌ها بسیاری از آرمان‌های سنت جمهوری خواهی را در قالب دولت مدرن تعقیب کرده‌اند و می‌توان گفت آزادی به مثابه عدم سلطه خواسته‌های مهمی را که از پیش در بسیاری از نهادهای دولت مدرن لیبرال تثبیت شده است، تصدیق می‌کند و در مورد وضعیت عملکرد دولت و نقش جامعه مدنی نگاهی انتقادی دارد. پرسش اصلی این است که کوئنتین اسکینر به منزله مشهورترین متفکر جریان نو جمهوری خواهی تا چه اندازه از قلمرو «تاریخ‌نگاری» مفاهیم فلسفه سیاسی غرب فراتر رفته است؟ آیا او یک «فیلسوف» سیاسی است؟ بررسی مضامین کتاب *آزادی مقدم بر لیبرالیسم* دست‌مایه‌ای است برای پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها. بر این اساس، در چهار قسمت تلاش می‌کنیم تا به سنجش کتاب اسکینر و مقام او، به منزله پژوهش‌گر فلسفه سیاسی غرب، بپردازیم. نخست به حیات دانشگاهی

اسکینر و تاریخ‌نگاری اندیشه از منظر او می‌پردازیم. سپس، به خلاصه‌ای از دیدگاه او در باب شکل‌گیری نظریه نئورومی دولت‌های آزاد در اوایل مدرن بریتانیا و تبدیل شدن آن به ایدئولوژی‌ای ضد رژیم‌های مستقر آن روز می‌پردازیم. پس از آن، اثر را از لحاظ نظری و روش‌شناختی نقد می‌کنیم. سپس، ترجمه فارسی را می‌سنجیم. در نقد نظری و روش‌شناختی اثر، به میزان موفقیت اسکینر در ارائه «طرحی فلسفی» در باب نظریه جمهوری یا دست‌کم نظریه آزادی خواهیم پرداخت. در این مقام مدعای اصلی این است که کوئنتین اسکینر از سطح تاریخ‌نگاری اندیشه فراتر نمی‌رود، و دیرینه‌شناسی به غایت محافظه‌کارانه او ارائه طرحی فلسفی را ناممکن می‌سازد. به علاوه، او نتوانسته است در چهارچوب سنت نوجمهوری خواهی به تدوین نظریه متقح و منسجمی در باب آزادی دست یابد.

۲. حیات دانشگاهی اسکینر و تاریخ‌نگاری اندیشه

کوئنتین اسکینر پیش‌زمینه خانوادگی اسکاتلندی دارد. در ۱۹۴۰ م در نزدیکی منچستر انگلستان به دنیا آمد. پدرش فرمان‌دار مستعمراتی (colonial administrator) بود و در آفریقای غربی خدمت می‌کرد و مادرش هم پیش از ازدواج معلم مدرسه بود. همسر اسکینر سوزان جیمز در دانشگاه لندن استاد فلسفه است و دو فرزند دارند. اسکینر در ژوئن ۱۹۶۲ مدرک لیسانس گرفت و در اکتبر همان سال در حالی که فقط ۲۱ سال داشت، بدون هیچ‌گونه تجربه تدریس در دانشگاه در کالج کریست استخدام شد. او از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ م در دانشگاه کمبریج پروفیسور تاریخ بود. از کمبریج جدا شد و هم‌اکنون پروفیسور علوم انسانی در دانشگاه کوئین مری لندن (Queen Mary University of London) است. اسکینر تاکنون نیز مدرک Ph.D ندارد. به علت فعالیت‌های تأثیرگذارش نام او در شمار «رسولان کمبریج» (Cambridge Apostles) یا اعضای جامعه نخبگان پنهان دانشگاه کمبریج از ۱۸۲۰ م تا به امروز ذکر می‌شود (Skinner 2008).

کوئنتین اسکینر عوامل مؤثر در اندیشه‌اش را به دو گروه شخصی و فکری دسته‌بندی می‌کند. در نوجوانی به «تاریخ ایده‌ها/ history of ideas» علاقه‌مند بود و دو نویسنده بر تکوین فکر او اثر گذارده‌اند: راسل و کالینگوود. اسکینر کتاب تاریخ فلسفه غرب برتراند راسل را بارها و بارها در مدرسه خوانده بود و می‌گوید که آن را از حفظ شده بود. کتاب راسل چنان تأثیری در اسکینر نوجوان می‌گذارد که او شیفته تاریخ اندیشه می‌شود. رابین جورج کالینگوود (۱۸۸۹-۱۹۴۳ م) نیز عمدتاً از لحاظ نگرش‌هایش در باب «تفسیر» و «تبیین

تاریخی» موردعلاقه اسکینر بود. کالینگوود بعدها به‌طور مستقیم در نگرش اسکینر درباب تاریخ عقاید تأثیر می‌گذارد.

اسکینر از جان ایر (John Eyre) به‌منزله بهترین معلم خود در مدرسه یاد می‌کند و تا زمان مرگ او با هم پیوند دوستی نزدیکی داشتند. اسکینر ادای احترام به دوستان هم‌دوره‌ای خود را نیز فراموش نمی‌کند؛ از جمله جان دان که تأثیر بزرگی در کارهای اولیه او داشت.

اسکینر در فضایی به «تاریخ اندیشه» روی می‌آورد که در کمبریج هم‌چون آکادمی‌های دیگر سنت تاریخ اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی با مفروضات شبه‌مارکسیستی غالب بود. در مقابل آن تاریخ‌پژوهی اسکینر از تأثیر پیتر لاسلت (Peter Laslett)، کیت توماس (Keith Thomas)، و جان پاکاک (John Pocock) در رویکرد تاریخی خود در مطالعات اندیشه یاد می‌کند. پیتر لاسلت در زمانی که اسکینر دانشجوی کارشناسی بود، ویرایش کتاب دو رساله درباب حکومت (*Two Treatises of Government*) جان لاک را منتشر کرده بود و پژوهش‌های او برای اسکینر از لحاظ روش‌شناختی بسیار اهمیت داشت. پیتر لاسلت متون لاک را برپایه بافت تاریخی‌اش مطالعه می‌کرد. مقالات زمینه‌گرایانه کیت توماس در مطالعات تاریخی اندیشه توماس هابز و تأثیر بستر اجتماعی در نظریه دولت او برای اسکینر آموزنده بود. جان پاکاک نیز تأثیر عمیقی در اسکینر نهاد و اسکینر در دوره کارشناسی در دهه ۱۹۵۰ م شاگرد او بود. کتاب *قانون اساسی باستان و قانون فئودال (The Ancient Constitution and the Feudal Law)* (۱۹۵۷ م) به گرایش اسکینر به اندیشه سیاسی کمک بسیار کرد.

اسکینر به وجود چیزی با عنوان «مکتب کمبریج» اعتقاد ندارد؛ بااین حال، وجود رویکرد مشترک را در مطالعه زمینه تاریخی شکل‌گیری متون و نظریه‌ها باور دارد. در این رویکرد، به‌جای تمرکز بر شکل‌گیری متون و سنجش انسجام درونی آن‌ها و ادعای صدق و حقیقت آن‌ها آنان تلاش کردند تا هر متن را درون بافت فکری‌ای که در آن شکل گرفته بود قرار دهند. اسکینر هابز و لاک را مطالعه کرد و جان دان (John Dunn) در ۱۹۶۹ م کتاب *اندیشه سیاسی جان لاک (The Political Thought of John Locke)* را با چنین رویکردی منتشر کرد.

دانشگاه‌های آمریکایی از لحاظ توجه به مطالعات تاریخ اندیشه بر دانشگاه‌های انگلستان تقدم داشته‌اند. شیکاگو، هاروارد، و پرینستون از پیش‌گامان مطالعات تاریخ اندیشه‌اند، اما تا پیش از نسل این متفکران انگلیسی در انگلستان رویکرد تاریخ اندیشه جدی نبود و مطالعه تاریخ اندیشه و نظریه سیاسی به‌علت غلبه رویکرد تاریخ سیاسی و اجتماعی در حاشیه قرار

گرفته بود. توجه به تاریخ اندیشه بخشی از رویکرد وسیع‌تری است که به مطالعه تاریخ فرهنگی (study of cultural history) شهرت دارد.

اسکینر به‌همراه ریچارد تاک (Tuck) و ریموند گس (Guess) در انتشارات دانشگاه کمبریج مسئولیت ویرایش و ترجمه آثار بزرگ اندیشه سیاسی را به‌عهده گرفتند تا هم آن‌ها را در دسترس همگان قرار دهند و هم در ویرایش و حاشیه‌نویسی بر آن‌ها به زمینه فکری تکوین آثار نیز توجه کنند. بیش از صد جلد از آثار کلاسیک و درباره آن آثار به‌همت اسکینر منتشر شد. در کنار انتشارات دانشگاه کمبریج، انتشارات جرمنی می‌نوت مجموعه Ideas in Context را منتشر کرد و اسکینر با همکاری جیمز تالی (James Tully) سرپرست ویرایش آن بود و از آن با عنوان «contextualising style» یا «سبک زمینه‌نگاری» یاد می‌کند. اسکینر تیم ویراستاری خود را به‌همراه گس، ریچارد تاک، و جیمز تالی پیش‌درآمدی بر شکل‌گیری جریانی می‌داند که به مکتب کمبریج مشهور شده است (ibid.).

تا پیش از شکل‌گیری تاریخ اندیشه در کمبریج تا دهه ۱۹۶۰ م رویکرد غالب این بود که مجموعه متتخی از متون معتبر و اصلی تنها موضوع شایسته پژوهش در حوزه تاریخ تفکر سیاسی تلقی می‌شد. این انتظار وجود داشت که چنین متونی بتوانند مجموعه‌ای از پرسش‌های همیشگی را مطرح کنند که معرف ماهیت اندیشه سیاسی‌اند. هدف مطالعه تاریخی نظریه اخلاقی یا سیاسی استنتاج درک و بینش درباره مسائل کلی جامعه و سیاست در زمان حاضر بود. اسکینر و پیش از او استادانی چون کالینگوود در این برنامه مطالعاتی تردید افکنده بودند. به‌باور اینان، حتی درمورد مهم‌ترین آثار در تاریخ نظریه اخلاقی یا سیاسی طرح پرسش‌های یک‌سان و همیشگی به‌هیچ‌وجه امری بدیهی نیست. کالینگوود گفته بود «تاریخ هیچ شاخه‌ای از فلسفه موضوع ثابتی ندارد، زیرا پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیوسته تغییر می‌کنند». پس از کالینگوود، پیترو لاسلت رساله‌های جان لاک را در زمینه تاریخی تکوینش تفسیر کرد. او دریافته بود که رساله‌های جان لاک از اساس مداخله در بحرانی خاص در سلطنت‌طلبی انگلستان در دوران چارلز دوم بود و طیف مشخصی از مباحثات سیاسی در اوایل دهه ۱۶۸۰ م در شکل‌گیری آن نقش داشت.

این گروه از تاریخ‌پژوهان در اوایل دهه ۱۹۶۰ م دانشگاه کمبریج را به کانون اصلی رهیافتی تاریخی برای مطالعه اندیشه اخلاقی و سیاسی بدل کردند. تاریخ نظریه سیاسی با تاریخ سیاسی در پیوند قرار گرفت. مورخانی چون سر لوئیس نیمی‌یر این دو قلمرو را از هم جدا ساخته بودند و معتقد بودند که نظریه‌های سیاسی چیزی نیستند جز دلیل تراشی‌های گذشته‌نگرانه. جان پاکاک نیز که از استادان پیش‌رو در تاریخ‌نگاری

اندیشه در کمبریج بود، می‌گفت به‌جای این‌که به تاریخ نظریه سیاسی ازدیدگاه متون معیار بنگرید، آن را هم‌چون تحقیقی گسترده‌تر درباره تغییر زبان‌های سیاسی‌ای بنگرید که جوامع برای سخن‌گفتن با خود به‌کار می‌برند. این‌چنین، مورخان اندیشه متون را به‌منزله عناصری در گفتمان سیاسی گسترده‌تر دیدند که محتوای آن‌ها با تغییر وضعیت تغییر می‌کند. در چنین «زمینه»‌ای است که رویکرد «زمینه‌باورانه» در پژوهش‌های تاریخ اندیشه تکوین و قوام می‌یابد.

۳. نظریه نئورومی: آزادی مقدم بر لیبرالیسم

درواقع، کتاب *آزادی مقدم بر لیبرالیسم* نسخه گسترش‌یافته سخن‌رانی آغازین اسکینر در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۷ هنگام انتخاب به‌منزله استاد ممتاز تاریخ مدرن در دانشگاه کمبریج است. محور این کتاب چیزی است که اسکینر تلقی نئورومی (Neo-Roman) از آزادی مدنی در نظریه سیاسی انگلیسی می‌نامد.^۲ نظریه نئورومی طی انقلاب انگلستان در اواسط قرن هفدهم میلادی شکل گرفت، و در قرن هجدهم میلادی برای تقابل با اولیگارش‌ی حاکم بر بریتانیا به‌کار گرفته شد. پس از آن نیز برای دفاع از انقلاب مهاجرنشین‌های آمریکا علیه بریتانیا به‌کار رفت، و در قرن نوزدهم میلادی به حاشیه رفت. عناصری از نظریه نئورومی آزادی در منشور شش ماده‌ای چارتریست‌های اصلاح‌طلب (۱۸۳۷-۱۸۴۸ م) و کتاب جان استوارت میل با عنوان *انقیاد زنان* محفوظ ماند (میل ۱۳۷۹).

اسکینر نظریه نئورومی آزادی مدنی را در مقابل لیبرالیسم قرار می‌دهد و معتقد است که پیروزی ایدئولوژیک لیبرالیسم در قرن نوزدهم میلادی این نظریه را تا حدود زیادی بی‌اعتبار کرد. جستارهای کتاب *آزادی مقدم بر لیبرالیسم* در صدد تردیدافکنی در باب این برتری لیبرال از ره‌گذر بازکاوی جهان فکری مفقودشده نظریه نئورومی است. اسکینر می‌کوشد این نظریه را در بسترهای فکری و سیاسی آغازینش قرار دهد و ساختار و پیش‌فرض‌های این نظریه را بررسی می‌کند (اسکینر ۱۳۹۰).

در کتاب *آزادی مقدم بر لیبرالیسم* نظریه نئورومی آزادی در زمینه تاریخی آن و با توجه به منازعه نیروهای سیاسی برای حدود قدرت دولت و آزادی شهروندان در اثنای جنگ داخلی انگلستان در قرن هفدهم میلادی بازکاوی می‌شود. طبق روایت اسکینر، در یک طرف مدافعان سلطنت چارلز اول قرار داشتند که شاه را تنها عامل یا حامل حاکمیت می‌دانستند و در طرف دیگر، پارلمان‌تاریست‌های ضدسلطنت هم‌چون هنری پارکر قرار داشتند که معتقد

بودند قوه عالیّه قضایی در امور کشوری و در امور قانونی، دست‌کم در مواقع بحران‌های ملی باید در اختیار دو مجلس «نمایندگان مردم» باشد و حاکمیت غایی در دست همین دو مجلس است. هنری پارکر در ۱۶۴۲ م در کتاب *Observations* یا ملاحظات اعلام می‌کند که کل هنر حاکمیت منوط به شناخت این امر است که قدرت شاه‌زادگان امری ثانویه و فرعی است و سرچشمه و عامل مؤثر «مردم» است. در مواقع به‌خطرافتادن آزادی و امنیت نمایندگان منتخب مردم حق دارند درباره مصالح عمومی بدون دخالت شاه داوری کنند. درسوی دیگر نیز جریان مشروطه‌خواهان انگلیسی قرار داشتند که به اتحاد شاه و پارلمان برای ایجاد قدرت مطلقه قائل بودند. در مقابل همه این‌ها نظریه‌ای مطرح شد که حامل و عامل واقعی حاکمیت را نه شخصیت طبیعی شاه می‌دانست و نه شخصیتی برآمده از اشتراک اشخاص طبیعی، بلکه بر «شخصیت مصنوعی دولت» تأکید داشت. زاموئل پوفندورف در کتاب *حقوق طبیعی و مردم* (۱۶۷۲ م) دولت را شخصیتی اخلاقی و ترکیبی می‌دانست. در نظریه سیاسی انگلیسی تامس هابز متفکر اصلی «نظریه شخصیت مصنوعی دولت» بود. طرح نظریه شخصیت مصنوعی دولت از سوی توماس هابز و اقتباس آن از سوی شماری از سلطنت‌طلبان دارای ذهنیت حقوقی، هم‌چون گریفیت ویلیامز، دادلی دیگز، جان برمهال، و سر رابرت فیلمر در تاریخ نظریه سیاسی مدرن انگلستان اهمیت فراوانی دارد. هابز نخستین‌بار در کتاب *درباب شهروندی* در ۱۶۴۲ م و سپس در *لویاتان* در ۱۶۵۱ م این دیدگاه را طرح کرد. طبق این نظریه، «کامن‌ولث یا ثروت مشترک یک شخص است که از عملکردهای او گروه کثیری از انسان‌ها هر نفرشان خود را مُبدع و پایه‌گذار می‌داند و کسی که شخصیت دولت را اداره می‌کند، حاکم نامیده می‌شود.» هابز برای نخستین‌بار در رساله *درباب شهروندی* بیان داشت که دولت نام شخصیتی مصنوعی است که از سوی گردانندگان قدرت حاکمه اداره یا نمایندگی می‌شود.

نظریه آزادی هابزی نیز نتیجه منطقی نظریه دولت اوست. از این منظر، آزادبودن به این معنی است که از اعمال توان‌مندی‌های انسان برای رسیدن به اهداف مطلوبش جلوگیری نشود. به عبارتی، آن‌جا که قانون تمام می‌شود، آزادی آغاز می‌شود. گستره آزادی انسان از اساس بر سکوت قانون (*The Silence of the Law*) استوار است. هابز این رویکرد را در تقابل با سنت کلاسیک جمهوری‌خواهی رومی و مفهوم «دولت آزاد» یا «*civitas libera*» مطرح کرده بود و در نتیجه، با جمهوری‌خواهان رنسانس ایتالیایی و مدافعان «*liberta*»، به‌ویژه ماکیاولی، نزاع داشت.

ارزش‌های اومانیستی رنسانس ایتالیا در انگلستان آن روز، به‌ویژه در میان جمعی از مدافعان پارلمان ریشه‌های عمیقی پیدا کرده بود و این چنین نظریهٔ نئورومی در نخستین مراحل فکر سیاسی انگلستان مدرن با فکر جمهوری خواهانهٔ ایتالیایی در پیوند بود. اومانیست‌هایی چون ریچارد بیکن و فرانسیس بیکن به افکار ماکیاولی در باب آزادزیستن یا «vivero libero» استناد کردند. اومانیسم جمهوری خواهانه در ادبیات نمایشی و شعر آن دوره نیز جلوه‌گر شده بود؛ برای نمونه، در *آرکادیا* اثر سر فیلیپ سیدنی و نمایش‌نامه‌های رومی بن جانسون. از آن پس، نظریهٔ جمهوری خواهانهٔ «civitas libera» یا دولت‌های آزاد رقیب بزرگی بود برای نظریه‌های قراردادگرایانه و نظریه‌های پدرسالارانه در باب دولت و حاکمیت تا اواسط قرن هجدهم میلادی.

نظریهٔ رومی آزادی را نویسندگانی چون هنری نیویل در کتاب *تولد دوبارهٔ افلاطون* و الجرنن سیدنی در *گفتارهایی در باب حکومت* برای حمله به استبداد استوارت‌های متأخر در اوایل دههٔ ۱۶۸۰ م احیا کردند. لرد بالینگبروک و اطرافیانش در دههٔ ۱۷۲۰ م این نظریه را برای نکوهش اولیگارشی ویگ‌ها و سر رابرت والپول اقتباس کردند. چند دههٔ بعد، ریچارد پرایس و دیگر مدافعان نظریهٔ کامن‌ولث در ۱۷۷۶ م نظریهٔ نئورومی را در دفاع از مهاجرنشین‌های آمریکا و اعلامیهٔ یک‌جانبهٔ استقلال از سلطنت بریتانیا به‌کار بستند.

بر این پایه، پس از شاه‌کشی در ۱۶۴۹ م و اعلام انگلستان به‌منزلهٔ دولتی آزاد و کامن‌ولث به ایده‌های نئورومی استناد کردند و نظریهٔ انگلیسی جمهوری خواهی را قوام بخشیدند. نظریهٔ رومی به ایدئولوژی رسمی حکومت جدید تبدیل شد و مارچامنت ندهام از سپتامبر ۱۶۵۱ تا اوت ۱۶۵۲ سلسله‌مقالاتی را در روزنامهٔ دولتی *Mercurius Politicus* منتشر کرد و به تبیین «زیستن در وضعیت آزادی» پرداخت. اصطلاح «state of freedom» در سخن او معنایی دوگانه ناظر به وضعیت و دولت آزادی دارد. جان میلتون که در ۱۶۴۹ م یکی از دبیران شورای جدید دولت شده بود، از مدافعان این رویکرد نئورومی بود. جان میلتون در مجموعهٔ رساله‌هایی میان سال‌های ۱۶۴۹ تا ۱۶۵۱ م و به‌ویژه در چاپ دوم کتاب *سنت‌شکنان (Eikonoklastes)* در ۱۶۵۰ م مفهوم رومی - کلاسیک آزادی را تبیین کرد. در مرتبه‌ای پایین‌تر گروه وسیعی از نویسندگان در اوایل دههٔ ۱۶۵۰ م به دفاع از کامن‌ولث پرداختند. جرج ویدر، جان هال، فرانسیس آزبورن، و جان استریتز از جملهٔ آن‌ها بودند.

از دید اسکینر، سال ۱۶۵۶ م نقطهٔ اوج پیدایش نظریهٔ تمام‌عیاری در باب آزادی و حکومت در انگلستان است. آلیور کرامول در ماه می آن سال پس از دو سال تجربهٔ دشوار قانون‌مداری پارلمان جدید را فراخواند. مارچامنت ندهام برای تقبیح پراتکوریت یا نظام حمایت‌مداری

کرامول راه‌حلی جمهوری خواهانه را جست‌وجو کرد. ندهام در ژوئن ۱۶۵۵ ماحصلِ سرمقاله‌های خود را در کتابی با عنوان برتری دولت آزاد بازچاپ کرد. چند ماه بعد در اواخر سال ۱۶۵۶ م جیمز هرینگتون کتاب کامن‌ولث اوسیان را منتشر کرد. اسکینر کتاب هرینگتون را «اصیل‌ترین و مؤثرترین متن در باب دولت‌های آزاد» در نظریه سیاسی انگلیسی می‌داند. راه جمهوری خواهی انگلیسی هموار نبود. با مرگ کرامول در ۱۶۵۸ م بازگشت سلطنت محتمل بود. انتشار کتاب جان میلتون با عنوان راه آماده و آسان برای تأسیس کامن‌ولث آزاد «واپسین درخشش بلاغی امید جمهوری خواهان» بود. در ۱۶۶۰ م چارلز دوم به قدرت رسید و دوران فترت آغاز شد. اما این دوران فترت شاهد تولید میراث غنی آثار نئورومی و جمهوری خواهی در انگلستان قرن هفدهم میلادی بود.

مسئله اصلی نظریه پردازان نئورومی در تدوین مفهوم آزادی مدنی رسیدن به وضعیتی است که در آن نیازهای متضاد آزادی مدنی و مسئولیت سیاسی با هم تناسب پیدا می‌کنند. آنان آزادی یا اختیار را به معنی بهره‌مندی بدون مانع از حقوق مدنی مشخص می‌دانند. برخلاف سنت جمهوری خواهی کلاسیک و رنسانسی، جمهوری خواهی انگلستان قرن هفدهم میلادی بر «حقوق فردی» تمرکز دارد. این متفکران به آمیزه‌ای منسجم از نظریه سیاسی رفرمیسم رادیکال می‌رسند که در آن وضعیت آزادی به‌طور طبیعی شایسته انسان است. میلتون در ۱۶۴۹ م این نظریه را چنین راحت تبیین کرده است: هیچ‌کس نمی‌تواند چنان ابله باشد که انکار کند همه انسان‌ها، که صورت و تمثیلی از خداوندند، «آزاد» به دنیا آمده‌اند.

از دید نظریه‌پردازان نئورومی، «وضعیت طبیعی» معیار کمال آزادی است. آزادی‌های ابتدایی باید حق مسلم و خدادادی و مجموعه‌ای از حقوق طبیعی تلقی شوند و محافظت از آن‌ها تنها هدف اصلی حکومت است. خداوند شماری حقوق و آزادی‌های طبیعی را به انسان‌ها عطا کرده است و هدف همه حکومت‌ها خیر و آسایش مردم و بهره‌مندسازی آن‌ها از حقوق در کمال امنیت است، بدون این‌که فرمان‌روایان یا شهروندان دیگر فشار یا سرکوبی را روا بدارند.

نظریه‌پردازان نئورومی فهرست کاملی را از این حقوق طبیعی تدوین نمی‌کنند، اما معمولاً می‌توان این حقوق را چنین فهرست کرد: آزادی بیان، آزادی جابه‌جایی، و آزادی قرارداد. به علاوه، تمامی شهروندان در بهره‌مندی قانونی از حیات، آزادی‌ها، و مالکیت حقوق برابر دارند. وظیفه دولت این است که شهروندان را قادر سازد تا از خوش‌بختی واقعی زندگی مدنی برخوردار شوند.

از دید کونتین اسکینر، ایده آزادی مدنی این نویسندگان بر دو فرض استوار است و آنان را اعضای یک مکتب واحد، یعنی جمهوری خواهی نئورومی می‌سازد. اسکینر این جمهوری خواهی را «گنگ و مبهم» می‌خواند. نخستین فرض مشترک این نویسندگان این است که هر درکی از معنای حفظ آزادی یا از دست رفتن آزادی شهروندان را در قالب شرحی از معنای آزادبودن یک «انجمن مدنی» مطرح می‌کنند. آنان نه با تمرکز بر آزادی افراد، بلکه بیش‌تر با تمرکز بر آزادی عمومی یا حکومت آزاد به تعبیر میلتون، و آزادی کامن‌ولث به تعبیر هرینگتون، به تأمل می‌پردازند. سیدنی از آن با عنوان آزادی ملت‌ها یاد می‌کند. در مجموع، آرزوی اصلی تمامی این نویسندگان «برتری دولت آزاد» (excellency of a free state) است.

محور دیگر بحث اسکینر درباره نظریه نئورومی آزادی مدنی تأکید این نویسندگان بر استعاره قدیمی ملت یا پیکره سیاسی مردم (the body politics) است. ندهام «تحركات پیکره‌های طبیعی» را با «تحركات پیکره‌های مدنی» مقایسه می‌کند و از پیکره مردم و کل پیکره کامن‌ولث سخن می‌گوید. هرینگتون در *اوسایانا* از «کل پیکره مردم» سخن می‌گوید و در کتاب سیستم سیاست می‌گوید شکل حکومت تجسم یا انگاره‌ای از انسان است (اسکینر ۱۳۹۰).

۴. نقد نظری و روش‌شناختی کتاب

۱.۴ مورخ یا فیلسوف: این فوکویی محافظه‌کار

به‌باور اسکینر، فقط زمانی می‌توان بر کار مورخان اندیشه صحه گذاشت که توجه خود را صرفاً بر مجموعه منتخبی از متون کلاسیک متمرکز نکنند، بلکه توجه‌شان را بیش‌تر بر جایگاهی معطوف دارند که آن متون در سنت‌ها و چهارچوب‌های گسترده‌تر فکری اشغال کرده‌اند (همان: ۱۰۳).

اسکینر می‌گوید بیش‌تر به وقوع «گسست‌ها» در تاریخ اندیشه باور دارد تا «پیوستگی‌ها». تداوم‌ها چنان فراگیرند که موجب شده‌اند گذشته را به آسانی هم‌چون آینه زمان حال تصور کنیم و مطالعه آن را به‌منزله ابزاری که مفروضات و تعصباتمان را به خودمان بازتاب می‌دهند ارزش‌مند تلقی کنیم، اما «نایبوستگی‌ها» نیز به همان اندازه اهمیت دارند. «ارزش‌هایی که در یک لحظه بر سنگ حک شده‌اند، لحظه‌ای دیگر ذوب شده و به هوا می‌روند».

این چنین، اسکینر طرح نوعی دیرینه‌شناسی یا باستان‌شناسی را می‌ریزد: اگر سوابق تاریخی را بررسی کنیم و به آن بیندیشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که از برخی فرضیه‌ها و عقاید کنونی خود روی بگردانیم و شاید آن‌ها را مورد ارزیابی مجدد قرار دهیم. یکی از ارزش‌های کنونی گذشته ارزش آن به‌مثابه مخزنی است از ارزش‌هایی که دیگر آن‌ها را تأیید نمی‌کنیم و پرسش‌هایی که دیگر مطرح‌شان نمی‌کنیم. از این منظر، تنها وظیفه مورخ اندیشه این است که نقش نوعی باستان‌شناس را بازی کند؛ یعنی گنجینه فکری مدفون را از خاک بیرون بکشد، غبارش را بزداید، و ما را قادر سازد درباره دیدگاه خود در مورد آن بازاندیشی کنیم. بهره‌هایی از روش دیرینه‌شناختی فوکو را در این روش اسکینری می‌توان یافت.

اسکینر مدعی است که به‌منظور آشکارکردن ساختار و نشان‌دادن انسجام نظریه نئورومی شهروندان و دولت‌های آزاد از روش دیرینه‌شناسی بهره گرفته است. این دیرینه‌شناسی اسکینری چندان نتوانسته است با کندوکاو در زمین تاریخ به درکی انتقادی از نظام‌های اندیشه راه ببرد.

۲.۴ ابهام در نحوه ورود فکر جمهوری خواهانه ایتالیایی به بریتانیا

به نظر می‌رسد که استدلال‌های اسکینر در تشریح روند استقرار ارزش‌های اومانیستی رنسانس ایتالیا در انگلستان قرن هفدهم میلادی کافی نیست. او برپایه شواهدی اندک قصد دارد پیوند نظریه نئورومی را در نخستین مراحل فکر سیاسی انگلستان مدرن با فکر جمهوری خواهانه ایتالیایی تبیین کند. این که اومانیست‌هایی چون ریچارد بیکن و فرانسیس بیکن به افکار ماکیاولی در باب آزادزیستن یا «vivero libero» استناد می‌کردند، نمی‌تواند نحوه تثبیت این فکر را در انگلستان آن روز تبیین کند.

این که نظریه جمهوری خواهانه «civitas libera» یا دولت‌های آزاد به رقیب بزرگی برای نظریه‌های قراردادگرایانه و نظریه‌های پدرسالارانه تبدیل شدند، به تأمل بیش‌تری نیاز دارد. در انگلستان قرن هفدهم میلادی ماکیاولی در سه دسته از نویسندگان و نخبگان سیاسی تأثیر نهاده بود. دسته نخست شامل برخی از نخبگان قدرت است که شهریار و فنون کسب و حفظ قدرت ترسیم‌شده را در آن آموخته یافته بود، از جمله توماس کرامول. در میان نویسندگان و متفکران گروه قابل توجهی وجود دارد که شهریار ماکیاولی را رساله‌ای ارزشمند یافته بودند. در میان انگلیسی‌ها می‌توان این‌ها را نام برد: فرانسیس بیکن، هرینگتون، جان میلتون، هیوم، و ادوارد گیبون. برخی از اینان به‌طور مشخص جمهوری خواه

تلقی می‌شوند، اما برخی دیگر خیر. در میان دیگر مخالفان انگلیسی جمهوری خواهی نیز کسانی هستند که برای ماکیاولی احترامی قائل بودند، از جمله هابز و لاک. این احترام به ماکیاولی را لزوماً نمی‌توان به مشرب سیاسی او مربوط دانست، بلکه بیش از هر چیز هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی ماتریالیستی ماکیاولی برای آنان مطلوبیت داشت. اسکینر در تحلیل خود عنصر ماتریالیسم را به منزله عنصر فلسفی پیوند فکر ماکیاولی با نویسندگان و نخبگان سیاسی انگلیسی نادیده می‌گیرد.

به علاوه، چنان‌که بیان شد، تأثیر ماکیاولی فقط به جمهوری خواهی انگلیسی محدود نمی‌شود، چنان‌که رساله شهریار بیش از دیگر آثار ماکیاولی مورد توجه انگلیسی‌ها قرار گرفته بود.

گذشته از همه این‌ها، او مانیسیم / جمهوری خواهی رنسانسی سنت وسیعی است که ماکیاولی فقط یکی از نمایندگان آن است. نحوه ورود آثار نویسندگان متعدد این سنت به انگلستان و خوانش و ترجمه آثار اغلب لاتینی آنان در انگلستان قرن هفدهم میلادی یکی از موضوعات اصلی تاریخ اندیشه نئورومی است که در این نوشته‌های کوئنتین اسکینر نمی‌توان برای آن‌ها پاسخی یافت.

۳.۴ فقدان صورت‌بندی نظری آزادی: اسکینر علیه آزایا برلین!

یکی از ابعاد اصلی تقابل اسکینر با لیبرالیسم در نقد او بر دو مفهوم آزایا برلین از آزادی دیده می‌شود. در این تقابل دریافت جمهوری خواهانه از آزادی تعیین می‌یابد، اما در خوانش انتقادی اسکینر از سنت لیبرال کلاسیک و جدید صورت‌بندی دقیقی از این تقابل نمی‌یابیم.

برخلاف اسکینر، فیلیپ پتی «صورت‌بندی نظری و مفهومی» فیلسوفانه‌تری در باب آزادی به دست داده است. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، دریافت سنت جمهوری خواهی از آزادی همان «آزادی به‌متابۀ عدم سلطه» است. نخست این‌که در سنت جمهوری خواهی برخلاف رویکرد لیبرالیستی مدرن آزادی همواره برحسب تقابل «liber» و «servus» یعنی «شهروند» و «برده» مطرح می‌شود. آزادی وضعیت کسی است که برخلاف برده در معرض قدرت خودسرانه کسی دیگر قرار ندارد؛ یعنی کسی که زیر سلطه کسی دیگر نباشد. وضعیت آزادی به‌شيوه‌ای طرح شده است که امکان از دست رفتن آن بدون هیچ دخالت واقعی‌ای وجود دارد: بردگی و سلطه ممکن است بدون دخالت وجود داشته باشند؛ مانند سناریوی «ارباب غیردخالت‌گر». دلیل دوم این است که آزادی ممکن است بدون دخالت واقعی نیز

از بین برود و نیز ممکن است دخالت رخ دهد، اما شخص بر اثر آن «ناآزاد» نشود؛ مانند سناریوی «دخالت‌کننده غیرارباب». دخالت‌کننده غیرارباب موردنظر جمهوری خواهان همان قانون و حکومتی است که در یک جمهوری کاملاً سامان‌یافته معمول است (پتی ۱۳۸۸: ۵۶-۵۷؛ Pettit 1997: 32).

بنابراین، براساس دریافت جمهوری خواهانه، به‌ویژه براساس شیوه جمهوری خواهانه مقابله آزادی با بردگی، اول، حتی بدون دخالت عملی نیز ممکن است آزادی از دست برود. دوم، ممکن است دخالت بدون ازدست‌رفتن آزادی نیز رخ دهد. به‌طور خاص، دخالت بدون ازدست‌رفتن آزادی وقتی رخ می‌دهد که دخالت خودسرانه و نماینده‌شکلی از سلطه نباشد. یعنی هنگامی که این دخالت تحت‌نظارت منافع و عقاید کسانی باشد که در کارشان دخالت می‌شود، و دخالت‌کننده ملزم باشد آن منافع را به‌نحوی برآورده سازد که با عقاید آنان سازگار باشد (پتی ۱۳۸۸: ۶۳).

در قاموس جمهوری خواهان آزادی در مقابل بردگی قرار می‌گیرد و روبه‌روبودن با خواست خودسرانه دیگران یا در اختیار دیگران بودن شری بزرگ است. روایت اسکینر از «آزادی مقدم بر لیبرالیسم» فاقد نظریه‌ای درباب آزادی یا شهروندی است. در قاموس جمهوری خواهان رومی، اصطلاح «liber» یا «شخص آزاد» در مقابل اصطلاح «servus» یا «برده» به‌کار می‌رفت. برده مطیع فرمان‌های ارباب بود، اما شخص آزاد عکس او بود. شخص آزاد از «servus sine domino» یعنی «برده بی‌ارباب» که هرکسی بتواند او را تملک کند، بالاتر بود. «liber» لزوماً «civis» یا «شهروند» بود، با همه لوازمی که این مفهوم برای جلوگیری از دخالت داشت. این تقابل بردگی یا بندگی از یک‌طرف، و آزادی از طرف دیگر، احتمالاً تنها ویژگی برجسته شعار دیرینه آزادی است که در تجربه جمهوری روم شکل گرفته بود. بردگی از اساس با سلطه مشخص می‌شود، نه با دخالت عملی. حتی اگر صاحب برده کاملاً اهل مدارا و ملایمت باشد، باز هم بر برده سلطه خواهد داشت. مقابله آزادی با بردگی دلیل قاطعی است برای اثبات این‌که آزادی همان عدم سلطه بود نه صرفاً عدم دخالت. در جمهوری خواهی نوآیین فلورانس متفکرانی چون ماکیاولی به تقابل آزادی — بندگی (liberty-servitude) جایگاهی مهم دادند، تعریف یا مصداق آن را وسعت بخشیدند، و استبداد و استعمار را از اشکال بردگی دانستند. ماکیاولی شهرهای دارای آزادی و شهرهای دچار بردگی را در مقابل هم قرار می‌دهد و به شهرهای آزاد در هر کجا که باشند فضیلت و برتری می‌بخشد (پتی ۱۳۸۸: ۵۷؛ Pettit 1997: 32).

نکته دیگر در مورد دریافت جمهوری خواهانه از آزادی که در دیرینه‌شناسی سطحی اسکینر غایب است، به مقوله‌های «شهروندی» و «قانون» مربوط می‌شود. دریافت جمهوری خواهانه از آزادی آن‌چنان که در تقابل با مفهوم بردگی تعریف شد، در پیوند با مفهوم شهروندی یا کیویتاس نیز است.^۳ براساس کهن‌ترین آموزه جمهوری خواهی، قوانین یک دولت خوب، به‌ویژه قوانین یک جمهوری، آزادی موردنیاز شهروندان را ایجاد می‌کند، و این آزادی را پاس می‌دارد. این بنیان قانونی آزادی در تعریف «آزادی به‌مثابه شهروندی» نمودار می‌شود. شهروندی وضعیتی است که لزوماً و فقط در چهارچوب یک رژیم قانونی مناسب موجودیت می‌یابد. به‌بیان مائوریتزیو ویرولی، ویژگی اصلی «کیویتاس» حکومت قانون است. تمام جمهوری خواهان «آزادی» و «شهروندی» را بر مبنای پیشینه رومی آن با هم معادل می‌دانند. از این منظر، در روم و نزد رومیان «لیبرتاس» یا «آزادی کامل» با «کیویتاس» یا «شهروندی» قرین و هم‌عرض است. این چنین، از منظری جمهوری خواهانه، آزادی وضعیتی است که فقط با یک رژیم حقوقی مناسب موجودیت می‌یابد. منشأ اقتدار فرمان‌روایان قانون است و همین قانون آزادی شهروند را نیز تأمین می‌کند (Pettit 1997: 36). اسکینر در این باب سخن ایجابی‌ای بر زبان جاری نمی‌سازد. برخلاف دیدگاه محققان سوئدی‌ای چون اولف مورکنستام و ماکس ادلینگ، دست‌کم براساس کتاب *آزادی مقدم بر لیبرالیسم*، نمی‌توان اسکینر را یک «نظریه‌پرداز» یا «فیلسوف» تلقی کرد.

۵. نقدهای وارد بر ترجمه فارسی

۱.۵ اختلاط دو سیاق زبانی انگلیسی و فارسی در برگردان جملات

مترجم محترم در مواردی سیاق اصلی متن را دگرگون کرده است و هنگام برگردان جمله انگلیسی به زبان فارسی بیان یا سیاقی انگلیسی به متن فارسی داده است. این دگرگونی سیاق با دگرگونی ناگزیر ساختار گرامری جمله نیز همراه است. به چند مورد اشاره می‌شود:

I have tried to sketch the rise and fall within Anglophone political theory of what I have labelled a neo-roman understanding of civil liberty (Skinner 2003: ix).

ترجمه فریدون مجلسی: «کوشیده‌ام فراز و نشیب یک مقوله در نظریه سیاسی آنگلوفن [سنت جامعه انگلیسی زبان] را ترسیم کنم: مقوله‌ای که آن را برداشتی نئورومن [یا نورومی] از آزادی مدنی نامیده‌ام» (اسکینر ۱۳۹۰: ۱۵).

ترجمه پیش‌نهادی: «کوشیده‌ام فراز و فرود آنچه را که در چهارچوب نظریه سیاسی انگلیسی‌زبان دریافتی نئورومی از آزادی مدنی نامیده‌ام، ترسیم کنم» (در این ترجمه جای‌گزین هرچند خطای متعارف کاربرد متعاقب دو فعل در یک جمله دیده می‌شود، اما سیاق یا بیان متن فارسی است).

۲.۵ کاربرد دو معادل هم‌زمان برای واژه یا اصطلاحی واحد

«the dependent» (وابسته یا متکی به غیر) (صفحه ۱۵ فارسی، صفحه x اصلی).
«the ideological triumph» (پیروزی ایدئولوژیک یا مسلکی) (صفحه ۱۵-۱۶ فارسی؛ صفحه x اصلی).

۳.۵ به‌کار بستن دو معادل برای یک واژه در موارد مختلف

مثلاً، واژه مهم «State» اغلب به‌درستی «دولت» ترجمه شده است، اما در مواردی معادل «کشور» برای آن آمده است (برای دیدن مثالی در این باره، بنگرید به همان: ۴۲ منطبق با صفحه ۲۵ انگلیسی در ترجمه free state).

۴.۵ خطا در انتقال معنا

در صفحه ۱۹ فارسی (منطبق با صفحه انگلیسی xii و xiv) در ابتدای پاراگراف پایانی پیش‌گفتار اسکینر، آن‌جا که او از لرد اکتون، مورخ آزادی‌خواه انگلیسی اواخر قرن نوزدهم میلادی، یاد می‌کند، جمله به‌اشتباه چنان برگردانده شده است که گویا اکتون در سمینار ۱۲ نوامبر ۱۹۹۷ در کنار اسکینر حضور داشته است. جان دم‌ریش ادوارد دلبرگ اکتون، مشهور به لرد اکتون متولد ۱۸۳۴ م و متوفای ۱۹۰۲ م است. از لرد اکتون جملات و تعابیری به‌جای مانده است که برخی از آن‌ها امروز بسیار مشهورند. مثلاً، این یکی از جملات مشهور اوست که در مورد قدرت و مسئولیت و نقد و بازخواست اصحاب قدرت اعم از پاپ یا حاکمان عرفی ذکر شده است: «قدرت به فساد تمایل دارد؛ و قدرت مطلقاً مطلقاً فسادآور است / Power tends to corrupt and absolute power corrupts absolutely».^۴

لرد اکتون همین جمله را در جای دیگری نیز با اندکی تغییر ذکر کرده است: «همه قدرت‌ها به فساد تمایل دارند و قدرت مطلقاً فسادآور است / All power tends to

«corrupt and absolute power corrupts absolutely». کل پاراگرافی که جمله مشهور اکتون در آن آمده است:

I cannot accept your canon that we are to judge Pope and King unlike other men, with a favorable presumption that they did no wrong. If there is any presumption it is the other way against holders of power, increasing as the power increases. Historic responsibility has to make up for the want of legal responsibility. **Power tends to corrupt and absolute power corrupts absolutely.** Great men are almost always bad men, even when they exercise influence and not authority: still more when you superadd the tendency or the certainty of corruption by authority. **There is no worse heresy than that the office sanctifies the holder of it.**

۶. اشکال‌های ویرایشی

کاربرد «به‌وسیله» به‌جای «by» (اسکینر ۱۳۹۰: ۲۳، ۳۰-۳۱؛ Skinner 2003: 4, 12-13). در این موارد که حرف «by» برای جمله مجهول به‌کار رفته است، می‌توان جمله را به‌صورت معلوم ترجمه کرد و از ترجمه تحت‌اللفظی «by» اجتناب کرد.

۱. در ترجمه جمله‌واره «state or common wealth is One Person» جابه‌جایی مختصری صورت گرفته است که از لحاظ درک معنا ممکن است خواننده متخصص را دچار خطا کند. جمله‌واره چنین ترجمه شده است: کامن‌ولث [ثروت مشترک یا دولت] «یک شخص است»، درحالی‌که بهتر است چنین ترجمه شود: «دولت یا کامن‌ولث [ثروت مشترک] یک شخص است» (همان: ۲۴؛ 5: ibid.).

مفاهیم لاتینی چون *civitas*, *imperium*, *potentia*, *potestas* و مفاهیم جدیدتری چون *commonwealth* و *State* در نظریه‌های مربوط به دولت و حاکمیت، به‌ویژه در آثار نخستین نظریه‌پردازان دولت مدرن یا به‌تعبیر کوئنتین اسکینر «نئورومی» چنان حائزاهمیت‌اند که بی‌توجهی به تمایزات مفهومی ظریف آن‌ها می‌تواند متن را از دقت خارج سازد.

۲. در ترجمه عنوان کتاب الجرنن سیدنی، یعنی *Discourses Concerning Government* آمده است: «گفتمان‌هایی درباب حکومت» (همان: ۳۰؛ 12: ibid.). «discourse» در متونی از این دست در واقع ترجمه انگلیسی / فرانسوی اصطلاح لاتینی «discorsi» است و بنابراین نه به‌معنی «گفتمان»، بلکه به‌معنی «رساله» یا «گفته» یا «گفتار خطاب‌آمیز» است. یکی از مشهورترین کاربردهای این اصطلاح را می‌توان در عنوان کتاب ماکیاولی جمهوری خواه مشاهده کرد:

Il principe e Discorsi sopra la prima deca di Tito Livio

مرحوم محمدحسن لطفی به‌درستی «گفتارها» ترجمه کرده‌اند (ماکیاولی ۱۳۷۷). فریدون مجلسی نیز که به این معنا کاملاً اِشرف دارند، در ترجمه عنوان کتاب ماکیاولی و در ترجمه عنوان کتاب سیدنی در صفحه ۴۲ فارسی / ۲۶ انگلیسی معادل «گفتارها» را آورده‌اند.

«گفتمان» به‌منزله نوواژه‌ای برای ترجمه اصطلاح معرفت‌شناختی «discourse» بار معنایی ویژه‌ای دارد و در چهارچوب معرفت‌شناسی انتقادی یا تاریخ انتقادی اندیشه طرح شده است. به این معنا، «discourse» برساخته مفهومی جدیدی است که همان معنای سده‌های پیشین را ندارد و نمی‌توان این نواصطلاح یا نومفهوم را معادل همان واژه قدیم دانست.

۳. کتاب‌هایی چون آزادی مقدم بر لیبرالیسم هم‌چون دیگر آثار کوئنتین اسکینر ارزش پژوهشی بسیار بالایی در تاریخ اندیشه اروپایی دارند. بنابراین، نمی‌توان به «Bibliography» یا کتاب‌نامه چنین آثاری در امر ویرایش یا مسائل فنی نشر بی‌توجهی کرد. تقریباً هیچ‌یک از کتاب‌های اسکینر برای مخاطب سطح متوسط نوشته نشده‌اند؛ کتاب کوچک ماکیاولی را مسامحتاً می‌توان از این لحاظ استثنا دانست. برای کتاب‌های پژوهشی‌ای که فلسفه‌های زبانی جدید را به استخدام مطالعه تاریخ عقاید درآورده‌اند، خطاهای نگارشی یا حروف‌چینی می‌تواند سوءتفسیرهای فراگیری به‌دنبال آورد و حتی خواننده متخصص را به متن بی‌اعتماد سازد. در متن اصلی کتاب اسکینر کتاب‌نامه به دو قسمت «منابع اولیه/primary sources» و «منابع ثانویه/secondary sources» تقسیم شده است. منابع اولیه اغلب شامل آثار کلاسیکی است که اسکینر در متن به‌طور مستقیم درباره آن‌ها سخن گفته است. منابع ثانویه هم اغلب شامل متونی است که اسکینر به آن‌ها اشاره‌هایی کرده است و به‌طور عمده شامل متون متفکران متأخر اروپایی است. در قسمت کتاب‌نامه ترجمه فارسی این تفکیک مخدوش شده است، و به‌علاوه، خطاهای حروف‌چینی در ضبط نام نویسندگان یا عنوان کتاب‌ها و دیگر مشخصات آثار نیز دیده می‌شود.

۴. برخی جابه‌جایی‌ها در ترجمه و ویرایش یک جمله طولانی رخ داده است که در فهم معنای متن اختلال ایجاد می‌کند. متن اصلی چنین است:

When considering this question, these writers generally assume that the freedom or liberty they are describing can be equated with - or, more precisely, spelled out as - the unconstrained enjoyment of a number of specific civil rights.

در ترجمه فارسی چنین آمده است:

نظریه‌پردازان نئورومن هنگام بررسی این پرسش، معمولاً فرض را بر این می‌گیرند که آزادی موردنظر آنان را [چه به مفهوم رهایی یا freedom و چه به مفهوم اختیار یا liberty] می‌توان برابر دانست با - یا به مفهوم دقیق‌تر، می‌توان توصیف کرد، به‌عنوان - بهره‌مندی بدون ممانعت از شماری از حقوق مدنی مشخص (همان: ۳۵؛ 18: ibid.).

ترجمه جای‌گزین: «این نویسندگان هنگام بررسی این مسئله، معمولاً فرض می‌کنند که آزادی (freedom) یا اختیاری (liberty) که از آن سخن می‌گویند، می‌تواند برابر باشد با بهره‌مندی بلامانع از شماری از حقوق مدنی مشخص؛ یا به عبارت دقیق‌تر می‌تواند چنین توصیف شود».

در این جا در مورد «freedom» و «liberty» باید توضیح داد که فریدون مجلسی در برگردان این دو واژه به‌درستی تمایز واژگانی را رعایت کرده است؛ اما اسکینر میان این دو واژه تمایز معناشناختی یا نظری قائل نیست. اسکینر در پانوشتی در همان صفحه گفته است این دو واژه انگلیسی را هم‌چون هابز در همه‌جا به یک معنا و معادل هم به‌کار می‌برد.

۷. نتیجه‌گیری

اسکینر مدعی کاربست روش دیرینه‌شناسی برای فهم فکر جمهوری‌خواهی است، اما این دیرینه‌شناسی اسکینری چندان نتوانسته است با کندوکاو در زمین تاریخ به درکی انتقادی از نظام‌های اندیشه راه ببرد.

هم‌چنین، کوئنتین اسکینر سنت‌های غیرانگلیسی جمهوری‌خواهی را نادیده می‌گیرد. عمده‌ترین بی‌توجهی اسکینر از این لحاظ در نادیده‌گرفتن متن بزرگ جمهوری‌خواهی رادیکال، یعنی رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزاست. اندیشه نئورومی را نمی‌توان در بی‌توجهی به زمینه هلندی تفکر رواقی - جمهوری‌خواهانه قرون شانزدهم و هفدهم میلادی تفسیر کرد. کاوش در راه‌های نفوذ این زمینه هلندی هم‌چون راه‌های نفوذ زمینه ایتالیایی مشابه آن موضوعی است که در کتاب آزادی مقدم بر لیبرالیسم نمی‌توان نشانی از آن دید.

با این حال، ترجمه و بازخوانی مجموعه آثار اسکینر می‌تواند زمینه مناسبی تمهید کند برای توسعه مطالعات تاریخی مفاهیم و اندیشه‌ها. مطالعات اسکینر هرچند فاقد سویه‌های فلسفی و معرفت‌شناسانه لازم است، اما با الگوقراردادن خوانش تاریخی او از سنت‌های

اروپایی چه‌بسا می‌توان به دریافت‌های نوینی از تاریخ مفاهیم و عقاید ایرانی و اسلامی دست یافت. تعامل اندیشه‌های ایرانی و اسلامی و تعامل این دو با سنت‌های فکری اروپایی و حوزه‌های فکری و فلسفی شبه‌قاره هند و شامات در مقاطع مختلفی چون «آستانه قرون میانه ایرانی — اسلامی»، «قرون میانه ایرانی — اسلامی»، و «مواجهه سنت‌های ایرانی — اسلامی با سنت‌های مدرنیته غربی» نیازمند بازکاوی‌های دیرینه‌شناسانه است. این‌ها زمین‌ها و زمینه‌هایی‌اند که مستلزم حفاری و بازحفاری‌های دیرینه‌شناسانه‌اند. با فراترفتن از مباحثی که به‌طور عمده جنبه زبان‌شناسی تاریخی دارند و با عمق‌بخشیدن به جنبه معرفت‌شناسی انتقادی مطالعات تاریخ مفاهیم و عقاید می‌توان به نتایجی دست یافت که در آثار اسکینر غایب است.

پی‌نوشت‌ها

۱. انتشارات فرهنگ جاوید اخیراً ترجمه و انتشار برخی از آثار اسکینر را در پیش گرفته است. تاکنون کتاب آزادی مقدم بر لیبرالیسم و جلد نخست کتاب بینش علم سیاست از سوی این ناشر چاپ شده است. بازگشت نظریه کلان در علوم انسانی نیز گویا در دست انتشار است.
۲. فریدون مجلسی مترجم کتاب آزادی مقدم بر لیبرالیسم متولد ۱۳۲۳ ش و دانش‌آموخته دانشگاه تهران و دانشگاه‌های جانز هاپکینز و جرج تاون در زبان‌شناسی و علوم سیاسی است. او تاکنون بیش از پنجاه جلد کتاب در حوزه‌های ادبیات، سیاست، و حقوق بین‌الملل ترجمه و تألیف کرده است. هویت و خشونت نوشته آمارتیا سن، نظریه‌های جباریت از افلاطون تا آرنست، کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد، حضور ایران در جهان اسلام، و مبانی حقوق بشر از جمله ترجمه‌های او در حوزه‌های مربوط به علوم سیاسی‌اند. هم‌چنین، کتاب‌هایی چون پرسیکا: داستان‌های مشرق‌زمین تاریخ شاهنشاهی پارس به روایت کنزیاس به‌کوشش جونز رابسون و جیمز رابسون، آمریکایی، ژنرالی که به یک فرشته شلیک کرد، مهاجران نسل نخست، و آخرین مرز: داستان کلاسیک سرخ‌پوستان شایان (همه از هوارد فاست)، نقد و تفسیری بر گرگ بیابان هرمان هسه جان. د. سایمونز، و کنولپ: سه داستان از زندگی کنولپ هرمان هسه برخی از ترجمه‌های مجلسی در قلمرو ادبیات است. در سال ۱۳۹۲ ش از سوی انجمن تاریخ ایران در خانه هنرمندان مجلس بزرگ‌داشتی برای دکتر فریدون مجلسی برگزار شد و از فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی او به‌منزله دیپلمات و فعال فرهنگی ایرانی تقدیر شد. در آن مجلس بزرگ‌داشت استادانی چون دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن سخن‌رانی کردند. در آن بزرگ‌داشت فیلم مستندی درباره دکتر مجلسی پخش شد که در بخشی از آن ایشان چنین به شرح حال خود پرداخته است:

من در خانواده ای بودم که از نظر فرهنگی در سطح بالاتر جامعه قرار داشت. زمانی که من به دنیا آمدم جنگ جهانی دوم به شدت ادامه داشت. ایران از یک حکومت مقتدر دیکتاتوری رهیده بود و در یک چنین زمانی من به دنیا آمدم و در نتیجه، خیلی سیاست‌زده بار آمدم. یک عمر عادت کرده بودم به گزارش‌نویسی سیاسی. این شغل من بود. پس از بازنشستگی‌ام از این حرفه حالا گزارش‌نویسی تمام شده بود، ولی قلمم مثل یک اعتیاد با من گلاویز بود. قلمم را به سمت ترجمه بردم. یعنی یک زندگی ادبی را در موازات با یک زندگی بی‌ادبی آغاز کردم. با آن بی‌ادبی باید زندگی‌ام را تأمین می‌کردم و با ادبی باید نیازهای درونی خودم را برآورده می‌کردم. احساس من این بود که مرحله‌ای از زندگی‌ام تمام شده، اما زندگی تمام نشده.

۳. فیلیپ پتی مفهوم لاتینی «civitas» را «citizenship» ترجمه می‌کند.

۴. در:

Letter to Mandell Creighton (5 April 1887), Published in: *Historical Essays and Studies*, by John Emerich Edward Dalberg-Acton (1907), edited by John Neville Figgis and Reginald Vere Laurence, Appendix, p. 504; also in *Essays on Freedom and Power* (1972).

کتاب‌نامه

- اسکینز، کوئنتین (۱۳۹۰)، *آزادی مقدم بر لیبرالیسم*، ترجمه فریدون مجلسی، تهران: فرهنگ جاوید.
- اسکینز، کوئنتین (۱۳۹۰)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
- پتی، فیلیپ (۱۳۸۸)، *جمهوری‌خواهی: نظریه‌ای در آزادی و حکومت*، ترجمه فرهاد مجلسی‌پور، تهران: شیرازه.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲)، *دیرینه‌شناسی دانش*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۹)، *گفتارها*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی.
- میل، جان استوارت (۱۳۷۹)، *انقیاد زنان*، ترجمه علاء‌الدین طباطبایی، تهران: هرمس.

Berlin, Sir Isaiah (1958), "Two Concepts of Liberty", in: *Four Essays on Liberty*, London, Clarendon Press.

Constant, Benjamin (1988 [1816]), *The Liberty of Ancients Compared with that of Moderns*, Reprinted in *Political Writings*, (ed.) Biancamaria Fontana, Cambridge: Cambridge University Press.

Deacon, Richard (1985), *The Cambridge Apostles: A History of Cambridge University's elite Intellectual Secret Society*, R. Royce.

Edling, Max and Ulf Mörkenstam (1995), "Quentin Skinner: From Historian of Ideas to Political Scientist", *Scandinavian Political Studies*, Bind 18.

Archive of SID

«تاریخ‌نگاری» فکر نئورومی: نقد کتاب آزادی مقدم بر لیبرالیسم ۲۹۱

Skinner, Quentin (2002), "A Third Concept of Liberty, Isaiah Berlin Lecture", *Proceedings of the British Academy*, vol. 117.

Skinner, Quentin (2003), *Liberty before Liberalism*, Cambridge University Press.

Skinner, Quentin (18 April 2008), "Interview Transcript", in: *Interview with Making History*, London: <<http://www.history.ac.uk>>.

Skinner, Quentin (10 January 2008), *Interview of Quentin Skinner*, by Alan Macfarlane: <<http://www.alanmacfarlane.com/DO/filmshow/skinnertx1.htm>>.